

# کارگاه‌های آموزش داستان‌نویسی پس از انقلاب

در گفت‌وگو با حسین فتاحی



## اشاره

پس از پیروزی انقلاب اسلامی برخی نهادهای فرهنگی و علمی با برگزاری دوره‌های آموزش داستان‌نویسی اقدام به آموزش فنون و مهارت‌های نویسندگی به نوآموزان کردند. اغلب این مؤسسات نهادهای دولتی بوده‌اند. بررسی کارکرد و میزان تاثیر برگزاری این قبیل دوره‌های آموزشی در وضعیت ادبیات داستانی پس از انقلاب از نکات با اهمیت برای شناخت وضعیت ادبیات دوره انقلاب است. آنچه می‌خوانید پاسخ‌های آقای حسین فتاحی از نویسندگان کشورمان و از مدرسان این کارگاه‌های آموزشی به سؤالات «کتاب ماه ادبیات» در این زمینه است.

رتال جامع علوم انسانی

## آقای فتاحی لطفاً به سابقه برگزاری کلاس‌های آموزش داستان‌نویسی در حوزه ادبیات داستانی انقلاب اشاره کنید.

اولین کارگاه‌های داستان‌خوانی و نقد و بررسی داستان، اگر اشتباه نکنم در سال ۵۸ برگزار می‌شد. در محل حوزه اندیشه و هنر اسلامی، ساختمان قدیمی آجری دو طبقه‌ای بود، اطراف پارک دانشجو، یکی دو کوچه پایین‌تر از خیابان انقلاب. مدیریت این کارگاه‌ها با آقای عبدالحی شماسی بود و آقای پرویز زاهدی به عنوان مدرس در جلسات حاضر می‌شدند و داستان‌هایی را که خوانده می‌شد، نقد می‌کردند و برای اصلاح و بهتر شدن آن پیشنهادهایی ارائه می‌کردند. این کارگاه‌ها کاملاً حالت آموزشی داشت و در هر جلسه مطالب متنوعی بحث می‌شد. با گذشت زمان و انتقال محل حوزه اندیشه و هنر اسلامی به

محل فعلی یعنی تقاطع خیابان حافظ و سمیه، این جلسات هم ادامه پیدا کرد؛ با این تفاوت که در این دوره مدیریت جلسات با آقای فراست بود و دوستانی مثل آقای مخملباف، آقای سلیمانی، آقای فردی و بعدها آقای عموزاده خلیلی و دوستان دیگر در آن حضور داشتند و حاصل داستان‌هایی که در این جلسات خوانده می‌شد و اصلاح می‌گردید، کتاب‌هایی بود که با عنوان‌های «سوره» یا «جنگ» منتشر می‌شد. بعدها این سوره‌ها گسترش پیدا کرد و به ادبیات کودک و نوجوان و جوان هم پرداخت. سوره، بچه‌های مسجد و جنگ جوانان حاصل این تلاش‌ها است.

اوائل دهه ۶۰ این جلسات به مجلات هم سرایت کرد. جلسات نقد قصه و داستان‌خوانی در مجله کیهان بچه‌ها یکی از پربارترین و مؤثرترین جلساتی بود که در آن سال‌ها برگزار می‌شد و تمامی دوستان



## میزان تأثیرگذاری این دوره‌ها در پرورش استعدادها چگونه است؟

اگر به مصاحبه‌ها و صحبت‌های نویسندگان توجه کنید، میزان این تأثیرگذاری را در این صحبت‌ها می‌بینید. همه اذعان دارند که مهم‌ترین عامل در ایجاد انگیزه و مهم‌ترین عامل در رشد آنها همین جلسات قصه‌خوانی و کارگاه‌های نقد بوده است. حتی اگر به آمار کتاب‌های خوب و تأثیرگذار توجه شود، این ادعا به اثبات می‌رسد. تقریباً بیشتر نویسندگان در زمینه ادبیات کودک و نوجوان قبول دارند که دهه ۶۰، دهه طلایی ادبیات کودک و نوجوان است. در آن سال‌ها با این که ادبیات کودک و نوجوان بسیار نوپا و تازه بود ولی حجم کارها و کیفیت آنها حتی در این هفت سال گذشته دهه هشتاد هم تکرار نشده است.

## محدوده کارکرد این دوره‌های آموزشی کجاست؟ (حوزه تکنیک‌های داستان‌نویسی، موضوع و مضمون، خط‌دهی عقیدتی و...)

محدوده کارکرد این دوره‌های آموزشی، آموزش فنون داستان‌نویسی است؛ داستان به معنی عام آن. با این تعریف آنچه که کمک کند تا داستان از نظر فنی و هنری و محتوایی بهتر شود، در این محدوده می‌گنجد و می‌دانیم که صدها و هزاران عامل وجود دارد که یک داستان را از آنچه هست، بهتر، هنری‌تر و فنی‌تر می‌سازد. هدف کلاس‌ها، اشاره و یادآوری و آموزش به کارگیری این هزاران مورد است.

## تأثیر این دوره‌ها در شباهت و یکدست‌شدن نوشته‌های تولیدشده توسط تربیت‌شدگان این دوره‌ها چه قدر است؟

شاید این شباهت‌ها هم به وجود آید ولی اگر نوشتن ادامه پیدا کند، کم‌کم به جایی می‌رسد که کار هر نویسنده منحصر به خودش باشد. طبیعی است که هر هنرآموز نقاشی، چند تابلو هم کپی کند و از روی آثار بزرگان طرح بزند تا یاد بگیرد، ولی اگر هنرآموز ما هنرمند هم باشد به جایی می‌رسد که دلش می‌خواهد تابلوی خودش را نقاشی کند.

## در این دوره‌های آموزشی، چه شیوه‌های داستان‌نویسی مورد نظر است؟

رایج‌ترین و عمومی‌ترین شیوه‌های داستان‌نویسی. طبیعی است که یک هنرمند باید مدل‌ها و شیوه‌های مختلفی را بشناسد تا بتواند برای موضوع خود بهترین مدل و فنی‌ترین شیوه را انتخاب کند و کار خود را در آن شیوه به عمل آورد. هدف کلاس‌ها، آشنایی هنرجویان و شرکت‌کنندگان با انواع این شیوه‌ها و مدل‌هاست.

نویسنده‌ای که در زمینه کودک و نوجوان کار می‌کردند به این جلسات می‌آمدند و داستان می‌خواندند. دوستانی مثل آقایان عموزاده خلیلی، غفارزادگان، بایرامی، نقی سلیمانی، جعفر ابراهیمی، اسدالله شعبانی و خانم‌ها مزگان شنجی، قاسم‌نیا، طاق‌دیسی، کلهر، خداجو و دیگران.

فکر می‌کنم در اوایل دهه هفتاد یا کمی زودتر بود که در حوزه هنری این کلاس‌ها شکل جدی‌تری به خود گرفت و جزوه‌هایی تهیه شد و جلسات حالت کلاسی به خود گرفت. علاقه‌مندان می‌آمدند، ثبت‌نام می‌کردند و مدرس خاصی انتخاب شده بود که هر هفته مباحث داستان‌نویسی را تدریس می‌کرد و نوشته‌های هنرجویان را نقد و بررسی می‌کرد. این کلاس‌ها هم‌اکنون هم ادامه دارد.

به جز این مراکز، جاهایی مثل دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و مجله سروش نوجوان هم جلسات منظم داستان‌خوانی و نقد داستان برگزار می‌کردند که حالت آموزشی هم داشت.

## رویکرد و هدف نهادهای برگزارکننده این دوره‌ها چه بوده است؟

هدف از برگزاری این کلاس‌ها و جلسات داستان‌خوانی، آموزش و تقویت فنون داستان‌نویسی بود. کسانی که می‌آمدند و داستان‌شان را می‌خواندند با علاقه به نقد و نظر دیگران توجه می‌کردند و بعد از شنیدن نظرات دیگران، می‌رفتند و داستان‌شان را بازنویسی و حک و اصلاح کرده و مشکلات آن را برطرف می‌کردند. سعی بر این بود کار از آنچه هست بهتر شود. هدف دیگری که خود به خود تأمین می‌شد، ایجاد انگیزه برای نوشتن بود. دوستان وقتی در جلسه‌ای جمع می‌شدند که ده-پانزده نویسنده در آن شرکت داشتند و هرکدام داستانی می‌خواندند، دیگران هم به شوق می‌آمدند، انگیزه پیدا می‌کردند و موضوعاتی که در ذهنشان بود، آنها را وادار می‌کرد که زودتر دست به کار شوند و بنویسند. هدف از برگزاری کلاس‌های منسجم داستان‌نویسی هم تربیت نویسنده بود؛ حتی اگر از بین بیست-سی نفر هنرجویی که در یک دوره ثبت‌نام می‌کردند، یکی-دو نفرشان نویسنده می‌شدند.